



## The Application of Islamic Economics in the Evaluation of Neoliberal Monetary Policy in Iran

Mina Saatchi <sup>1</sup>, Ali Salehi Farsani<sup>2\*</sup>, Mohammad Reza Shahab<sup>3</sup>

1. Department of Political Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Department of Political Science, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
3. Department of Economics, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:19-36

Article history:

Received:05 Mar 2025

Edition:29 Mar 2025

Accepted:01 May 2025

Published online: 22 Jun 2026

#### Keywords:

Islamic Banking, Economic Justice, Banking and Monetary Policy, Critical Approach, Islamic Economy.

#### Corresponding Author:

Ali Salehi Farsani

#### Address:

Iran, Semnan, Islamic Azad University, Semnan Branch, Department of Political Science.

#### Orchid Code:

0000-0002-4740-5780

#### Tel:

09103006108

#### Email:

ali\_salehi62@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and Aims:** The neoliberal approach dominates Iran's economic, monetary and banking system. In what situations and under what conditions has neoliberal policy-making dominated Iran's economy, and what consequences does it bring, and what contributions can Islamic economics make in this area, are innovative topics that have been discussed in this article.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** Self-interest in the prejudiced principles and ideas of neoliberalism seeks techniques that maximize personal/private profit and benefit. The above cases have been institutionalized in Iran's neoliberal economic policy, which has an angle with Islamic economic policy. In a sense, there is a tangible conflict between the practical approach and the apparent approach of the Iranian economy.

**Conclusion:** The economic policy of Islam is to eliminate usury, implement profit and institutionalize zakat, and also deal with extravagance. In terms of methodology, there is a need to reconstruct the three main principles of financial policy and Islamic economy in Iran; 1)monotheism and brotherhood, 2)the principle of work and productivity; 3)increasing the principle of income distribution.

#### Cite this article as:

Saatchi, M; Salehi Farsani, A; Shahab, M-R. *The Application of Islamic Economics in the Evaluation of Neoliberal Monetary Policy in Iran*. Economic Jurisprudence Studies. 2026.



### کاربست اقتصاد اسلامی در ارزیابی سیاست‌گذاری پولی نئولیبرال در ایران

مینا ساعتچی<sup>۱</sup>، علی صالحی فارسانی<sup>۲\*</sup>، محمدرضا شهاب<sup>۳</sup>

۱. گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۲. گروه علوم سیاسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۳. گروه اقتصاد، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** رویکرد نئولیبرال در نظام اقتصادی، پولی و بانکی ایران سیطره دارد. اینکه سیاست‌گذاری نئولیبرال در چه موقعیت‌ها و با چه شرایطی بر اقتصاد ایران چیره شده و چه پیامدهایی به همراه دارد و اقتصاد اسلامی چه کمک‌هایی می‌تواند در این حوزه نماید، مباحث نوآورانه‌ای است که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** نفع شخصی در اصول و عقاید تعصب‌آمیز نئولیبرالیسم، به دنبال تکنیک‌هایی است که سود و فایده شخصی-خصوصی را به حداکثر برساند. موارد فوق در سیاست‌گذاری اقتصادی نئولیبرال ایران نهادینه شده است که با سیاست اقتصادی اسلام زاویه دارد. به تعبیری، میان رویکرد عملی و رویکرد ظاهری اقتصاد ایران تعارض ملموس وجود دارد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه:** سیاست اقتصادی اسلام در جهت حذف ربا، اجرای سود و نهادینه شدن زکات و نیز مقابله با اسراف است. به لحاظ شکل روش شناسی نیاز به بازسازی سه اصل اصلی سیاست‌گذاری مالی و اقتصاد اسلامی در ایران وجود دارد؛ (۱) توحید و برادری، (۲) اصل کار و بهره‌وری؛ (۳) بالا بردن اصل توزیع درآمد.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹-۳۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

#### واژگان کلیدی:

بانکداری اسلامی، عدالت اقتصادی، سیاست‌گذاری پولی بانکی، نئولیبرالیسم، اقتصاد اسلامی.

#### نویسنده مسئول:

علی صالحی فارسانی

آدرس پستی:

ایران، سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه علوم سیاسی.

تلفن:

09103006108

کد ارکید:

0000-0002-4740-5780

پست الکترونیک:

ali\_salehi62@yahoo.com

## ۱. مقدمه

بر اساس دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی غالب جهانی که از طریق رسانه‌های مختلف غربی تبلیغ می‌شود، نئولیبرالیسم پایان تاریخ و شکل نهایی نوآوری ایدئولوژیک بشر است. این ادعا (نئولیبرالیسم) پس از آنکه جایگزین برنامه‌ریزی مداخله‌گرای کینزی و همچنین برنامه‌ریزی متمرکز مارکسیستی به عنوان یک سیستم اقتصادی - اجتماعی شد، مشروعیت و برجستگی بیشتری یافت. در مباحث دانشگاهی و فلسفی به طور گسترده ادعا می‌شد که کمال بشریت در مسائل اجتماعی - اقتصادی تنها در مرام لیبرال نهفته است و پیروزی از این طریق حاصل می‌شود. به همین ترتیب، فرانسویس فوکویاما در پایان نظام دو قطبی، نئولیبرالیسم را پایان تاریخ و شکل نهایی تکامل ایدئولوژیک نوع بشر عنوان کرد.

آگاهی یا جهان بینی‌های یکپارچه را بهتر می‌توان به عنوان ایدئولوژی توصیف کرد که متشکل از فرهنگ‌ها، مذهب و مجموعه ارزش‌های پیچیده‌ای است که در تار و پود جامعه تنیده شده است. علاوه بر این، فوکویاما پیش‌بینی کرد که کشورهای در حال توسعه در آینده بر اساس تضاد بین ایدئولوژی‌ها، عرصه‌های درگیری خواهند بود. در سوی دیگر، مسلمانان معتقدند ایدئولوژی اسلامی بی عیب و نقص و کامل است. بلکه همانطور که در قرآن کریم آمده است، این بزرگترین هدیه خداوند به بشریت است که انسان‌ها یک جامعه واحد و فارغ از هرگونه تضاد بودند.

در واقع امروزه اصول نئولیبرال توسط کشورهای هژمونیک غربی به عنوان تفکری مثبت برای بشریت و جوامع در سراسر کره زمین تلقی

می‌شود و این ادعا در تضاد شدید با پیروان اسلام که معتقدند بیش از ۱۴۰۰ سال پیش اسلام بهترین و جاودانه‌ترین ایدئولوژی برای رفاه بشریت را فراهم کرده است. اقتصاد اسلامی از زمان سقوط آیاتی که بر اقتصاد متمرکز است ایجاد گردید. بعلاوه در سیره حضرت محمد در هنگام آموزش جامعه اسلامی در مدینه و به دنبال آن از صحابه تا خلفای اسلامی خاندان اموی در دمشق تا سلسله عثمانی در ترکیه به اجرا درآمد. اما این رویه در دوران استعمار و امپریالیسم در جهان اسلام ادامه پیدا نکرد.

اکنون اقتصاد اسلامی با این واقعیت مواجه است که سیطره روش شناسی غربی به قدری قوی بوده است به این ایده که چگونه می‌توان از اسلام به عنوان منبع نظری علم اقتصاد استفاده کرد، جهت می‌دهد. مشکل این است که در جهان اسلام شکاف بین دکترین و واقعیت به قدری چشمگیر است که نظریه پردازان اقتصاد اسلامی باید به این موارد توجه کنند.

تبیین چگونگی هژمون شدن رویکرد نئولیبرال در ساحت پولی و بانکی ایران نیازمند بررسی است که موضوع حاضر، ارزیابی انتقادی سیاست گذاری پولی نئولیبرال در ایران از منظر اقتصاد اسلامی رویکرد بدیلی است که مورد واکاوی قرار می‌گیرد. از یک سو نئولیبرالیسم قرار دارد که پروژه روشننگری ایالات متحده آمریکا می‌باشد که ادعا می‌کند به عنوان الگویی برای بقیه بشریت است؛ در سوی دیگر، دین اسلام قرار دارد که پیروانش مدعی هستند اسلام برای کلیه نیازهای بشر جهت رسیدن به جایگاه مناسب برنامه و ایده دارد. قطعاً شکل‌گیری این تضادی موجب ایجاد نبرد می‌شود که در این مقاله مباحث اقتصادی مد نظر است. بر این اساس به روش تبیینی - تحلیلی

به این پرسش بنیادی پرداخته شد که با توجه به پیامدهای هژمون شدن رویکرد نئولیبرال در نظام اقتصادی، پولی و بانکی ایران، اقتصاد اسلامی تا چه میزان می‌تواند در مقام یک جایگزین مطلوب قابلیت داشته باشد؟

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله جوشن‌لوی و خانی‌ها تحت عنوان «نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران» اشاره داشت. از منظر نویسندگان «نئولیبرالیسم الگوی جهانی شدن برای همه کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و مبنای سیاست‌های اقتصادی است که از سوی بسیاری از کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی همچون "سازمان جهانی تجارت"، "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" برای کشورهای در حال توسعه توصیه و ترویج می‌شود. از اینرو با توجه به برداشتن گام‌های مصمم توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر در ایران این پرسش پیش می‌آید که آیا برنامه توسعه اقتصادی در ایران برنامه‌ای کاملاً بومی است یا از الگویی جهانی پیروی می‌کند؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با مقایسه سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای نئولیبرالیسم که گفتمان اقتصادی حاکم بر اقتصاد سیاسی اکثر کشورهای جهان است با سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دو دهه اخیر نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در ایران کم و بیش از الگوی جهانی نئولیبرالیسم پیروی می‌کند.» (جوشن‌لوی و خانی‌ها، ۱۳۹۱، ۱۷) همچنین مقاله شیرزاد تحت عنوان «تأثیر جهانی شدن نئولیبرال بر دولت تحصیل‌دار (رانتیر) جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل» نیز جالب توجه است. در این مقاله سعی بر آن است تا بدون ادعا در

خصوص آرایه نظریه‌ای نوین تنها به سمت رهیافتی میان رشته‌ای با یاری گرفتن از دیدگاه‌های نئو گرامشیانی و همچنین مفاهیم کنترل و تنظیم اقتصاد جهانی (مکتب اقتصاد سیاسی آمستردام) برای مدل سازی و درک چگونگی تأثیر جهانی شدن (پروژه‌ای شده) بر دولتی رانتیر خارج از نظم یا مخالف نظم موجود (دیالکتیک داخل - خارج)، پرداخته شود. مسئله‌ای که نظریات مسلط رشته اقتصاد سیاسی بین‌الملل از قدرت چندانی برای تبیین آن برخوردار نیستند (شیرزاد، ۱۳۹۲، ۱۵۶).

## ۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که مشکل اصلی اقتصاد اسلامی همچنان در آموزه نئوکلاسیک و نئولیبرال است. اقتصاد اسلامی یک علم است زیرا دانشی است که به طور منظم تدوین شده و عناصر علم را برآورده کرده است. اقتصاد اسلامی به عنوان یک علم، عقلانیت را در بر می‌گیرد. توجیه، تحریف و راستی‌آزمایی کاملاً متفاوت در مقایسه با جریان اصلی اقتصاد دارد.

## ۵. بحث

در این بخش ابتدا چهارچوب نظری تبیین می‌گردد.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله جوشن‌لوی و خانی‌ها تحت عنوان «نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران» اشاره داشت. از منظر نویسندگان «نئولیبرالیسم الگوی جهانی شدن برای همه کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و مبنای سیاست‌های اقتصادی است که از سوی بسیاری از کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی همچون "سازمان جهانی تجارت"، "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" برای کشورهای در حال توسعه توصیه و ترویج می‌شود. از اینرو با توجه به برداشتن گام‌های مصمم توسعه اقتصادی در دو دهه اخیر در ایران این پرسش پیش می‌آید که آیا برنامه توسعه اقتصادی در ایران برنامه‌ای کاملاً بومی است یا از الگویی جهانی پیروی می‌کند؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با مقایسه سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای نئولیبرالیسم که گفتمان اقتصادی حاکم بر اقتصاد سیاسی اکثر کشورهای جهان است با سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای دو دهه اخیر نظام جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی در ایران کم و بیش از الگوی جهانی نئولیبرالیسم پیروی می‌کند.» (جوشن‌لوی و خانی‌ها، ۱۳۹۱، ۱۷) همچنین مقاله شیرزاد تحت عنوان «تأثیر جهانی شدن نئولیبرال بر دولت تحصیل‌دار (رانتیر) جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل» نیز جالب توجه است. در این مقاله سعی بر آن است تا بدون ادعا در

## ۵-۱. چارچوب نظری

«نئولیبرالیسم» مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی است که در طول ۳ دهه گذشته رواج یافته است. با این‌که این کلمه بندرت در ایالات متحده شنیده می‌شود، شما می‌توانید آشکارا تاثیرات نئولیبرالیسم را در ایالات متحده به عنوان رشد بیش‌تر ثروت ثروتمندان و فقر فقرا ببینید. لیبرالیسم می‌تواند به عقاید سیاسی، اقتصادی و حتی مذهبی بازگردد. در ایالات متحده لیبرالیسم سیاسی یک استراتژی برای پیش‌گیری از تضادهای اجتماعی بوده است. لیبرالیسم به عنوان گزینه‌ای مترقی در مقایسه با محافظه‌کاران یا جناح راست به مردم و کارگران ارایه گردید. سیاستمداران محافظه‌کاری که می‌گویند از لیبرال‌ها (در مفهوم سیاسی آن) متنفرند، هیچ مشکلی با لیبرالیسم اقتصادی و نئولیبرالیسم ندارند.

نئولیبرالیسم بیش از همه به جنبشی فکری و سیاسی اشاره دارد که به دنبال بازآفرینی لیبرالیسم در چارچوب سرمایه‌دارانه قرن بیستمی بود. این چارچوب از جهات بسیاری با لیبرالیسم ویکتوریایی متفاوت بود، اما برجسته‌ترین تفاوت مقیاس تمرکز بوروکراتیک هم در کسب‌وکار و هم در دولت بود. این روند از نظر فکری در دهه ۱۹۳۰ آغاز شد، با بهره‌گیری از اتاق‌های فکر و تبادلات دانشگاهی دوره پس از جنگ شتاب گرفت، و سپس از دهه ۱۹۷۰ به این سو جایگاهی مستحکم در دولت‌ها و نهادها یافت. سه وجه تمایز است که به بهترین شکل، تقابل میان «نئو» لیبرالیسم و پیشینیان سیاسی و اقتصادی‌اش را روشن می‌کند:

اول این‌که نئولیبرالیسم هیچ‌گاه به دنبال دولتی ضعیف‌تر نبوده است؛ در واقع می‌توان آن را

فلسفه‌ای سیاسی و برنامه‌ای سیاستی دانست که همواره از دولت انتظار دارد تا جامعه را حول ایده‌ال‌هایش شکلی تازه ببخشد. دوم این‌که، نئولیبرالیسم برداشت لیبرال جدایی حوزه‌های اقتصادی و سیاسی زندگی را کنار می‌گذارد. دست آخر همه چیز را می‌توان از دریچه اقتصاد دید که دولت، قانون، دموکراسی، رهبری، و جامعه مدنی نیز از آن جمله است. سوم این‌که، نئولیبرالیسم رقابت را مهم‌ترین و با ارزش‌ترین خصیصه کاپیتالیسم می‌داند. دلیل ساده‌ای برای این موضوع متصور است: در فرآیندهای رقابتی می‌توان مشخص کرد که چه کسی و چه چیزی با ارزش است. آن‌طور که فردریش‌هایم می‌گوید، رقابت «فرآیند کشف» است (Davies, 2017, 3-4).

در سوی دیگر، فرانظریه‌های علوم اجتماعی همگی از انتقادات جدی در حوزه‌های هستی‌شناختی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، متوجه نظریات دیگر و کل علوم مدرن نموده‌اند. در حوزه روش‌شناسی بی‌اعتبار و نامشروع کردن علوم مدرن و فروپاشی فراواقعیت‌ها مهم‌ترین مبانی نظام فکری فرا نظریه‌ها به معنای عام و پست‌مدرنیسم به معنای خاص است. با ظهور فرانظریه‌ها، این واقعیت بیش از پیش نمایان شد که از طریق رویکرد هم‌نهادی یا ترکیبی می‌توان بخش‌هایی از یک نظریه را برداشت و با یکدیگر ترکیب نمود و از طریق این الگوهای هم‌نهاد در ارتباط با تجزیه و تحلیل پدیده‌ها استفاده نمود.

نظریه‌های انتقادی درگیر مباحث فرانظری هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی است و در واقع دغدغه اصلی‌اش تغییر دادن هنجارهای تنظیم‌کننده و تشکیل دهنده نظام بین‌الملل است (Devetak, 1996, 37). هدف اصلی نظریه‌های

انتقادی، رهایی انسان از قید و بند دولت‌ها و مقابله با نظریات دولت محور است. همچنین این نظریات به نقد وضع موجود، رهایی از آن و ترسیم آینده‌ای مطلوب از جهان می‌اندیشند. در یک بیان، نگرش انتقادی میراث خردباوری روشنگری با رهیافتی دوگانه نگر به عقلانیت مدرن، وجه ارتباطی و مفاهمه‌آمیز عقل مدرن را متضمن رهایی از سیطره وجه ابزاری عقلانیت مدرن می‌داند و مدرنیته را طرحی ناتمام و تکمیل‌پذیر می‌انگارد.

در نگاه پست‌مدرن‌ها، جهان به گونه‌ای فرض می‌شود که نیاز به هیچ فراروایتی نیست، زیرا که روایت خود یک بنای بنیادین انسانی است که نیازی به یک اساس و یا توجیه‌گر ندارد؛ و بر این اساس پست‌مدرنیسم تمام سعی خود را در نقد و رد نظریات دیگر صرف می‌کند و جنبه فرانظری به خود می‌گیرد. بدین ترتیب پست‌مدرنیسم به نقد نظریات لیبرالیسم و لیبرالیسم انتقادی می‌پردازد. با توجه به مباحث نظری طرح شده اقتصاد اسلامی رویکرد انتقادی به اصول اقتصادی حاکم بر نظام جهانی دارد.

اقتصاد اسلامی از زمان سقوط آیاتی که بر اقتصاد متمرکز است ایجاد گردید. بعلاوه در سیره حضرت محمد در هنگام آموزش جامعه اسلامی در مدینه و به دنبال آن از صحابه تا خلفای اسلامی خاندان اموی در دمشق تا سلسله عثمانی در ترکیه به اجرا درآمد. اما این رویه در دوران استعمار و امپریالیسم در جهان اسلام ادامه پیدا نکرد. بسیاری از قواعد اقتصادی و اندیشه‌های اقتصادی اسلامی، به طور عمد در علم اقتصاد از طریق هژمونی و سلطه غرب گم شدند و با غفلت از سهم حداکثری اندیشه اقتصادی اسلامی در ادبیات اقتصادی غرب ترکیب شدند.

توسعه اقتصادی اسلامی به طور فزاینده‌ای گسترده است. نظریه‌های جدید بیشتری در مورد اقتصاد اسلامی توسط اقتصاددانان اسلامی ایجاد شده است. مشکل اصلی اقتصاد اسلامی همچنان در آموزه نئوکلاسیک و نئولیبرال است. اقتصاد اسلامی یک علم است زیرا دانشی است که به طور منظم تدوین شده و عناصر علم را برآورده کرده است (Janwari, 2013, 89-91). اقتصاد اسلامی به عنوان یک علم، عقلانیت را در بر می‌گیرد. توجیه، تحریف و راستی‌آزمایی کاملاً متفاوت در مقایسه با جریان اصلی اقتصاد دارد (Shalihin and Sholihin, 2017, 168). اما به طور کلی، هنوز به دکترین‌های نئوکلاسیک و نئولیبرال چسبیده است. اقتصاد اسلامی باید بتواند رویکردی کثرت‌گرایانه به واقعیت اقتصادی اسلامی را بپذیرد. اکنون اقتصاد اسلامی با این واقعیت مواجه است که سیطره روش‌شناسی غربی به قدری قوی بوده است که این ایده که چگونه می‌توان از اسلام به عنوان منبع نظری علم اقتصاد استفاده کرد، جهت می‌دهد. مشکل این است که در جهان اسلام شکاف بین دکترین و واقعیت به قدری چشمگیر است که نظریه پردازان اقتصاد اسلامی باید به این موارد توجه کنند.

اصول نئولیبرال توسط کشورهای هژمونیک غربی به عنوان تفکری مثبت برای بشریت و جوامع در سراسر کره زمین تلقی می‌شود و این ادعا در تضاد شدید با پیروان اسلام که معتقدند بیش از ۱۴۰۰ سال پیش اسلام بهترین و جاودانه‌ترین ایدئولوژی برای رفاه بشریت را فراهم کرده است. از یک سو نئولیبرالیسم قرار دارد که پروژه روشنگری ایالات متحده آمریکا می‌باشد که ادعا می‌کند به عنوان الگویی برای بقیه بشریت است (Gray, 2000, 100)؛ در سوی دیگر، دین اسلام

مفهوم عدالت دارند. بحث اساسی درباره مفهوم عدالت به عنوان کانون فلسفه اخلاق با سقراط آغاز شد، با این حال هدف اصلی سقراط بر ملا کردن نارسایی برداشت‌های رایج از عدالت بود. افلاطون همانند استاد خود سقراط هم عینیت و هم اطلاق معیار عدالت و فضیلت را می‌پذیرفت و هم رابطه میان معرفت با عدالت و عادلانه زیستن را قبول داشت. ارسطو نیز همانند افلاطون معتقد بود که زندگی پرفضیلت و عادلانه هم برای عامل چنان اعمالی و هم برای جامعه سود بخش است (Nigro and Nigro, 1973: 21-25).

### ۳-۵. نگاه انتقادی به نظام اقتصادی

#### فعلی جهانی

از نظر پست‌مدرن‌ها هیچ روند جهانی یا راهی طبیعی در علم اقتصاد وجود ندارد. در عوض، هرچند ممکن است تماس و کنش متقابلی میان نظریه‌های اقتصادی وجود داشته باشد (و معمولاً هم وجود دارد)، همان طور که در نتیجه همه آنها تغییر می‌کنند، وجود موضوعات گفتمانی و راهبردهای چنین نظریه‌هایی (این واقعیت که آنها واقعا "حقایق" اقتصادی متفاوتی می‌سازند)، به معنی این است که رشته اقتصاد به نحو غیر قابل تقلیلی با تکرار دانش‌های متعارض تعریف شده است.

یکی از واقعیت‌های امروزی نظام اقتصاد جهانی «جهانی شدن» است که از دید سازه‌انگاران علاوه بر ویژگی‌های اقتصادی آن، باید تحولات فرهنگی‌اش را در نظر گرفت. در واقع امروزه محققان بین‌المللی با رویکرد نهادگرایی جامعه شناختی، اشاره می‌دارند که جهانی‌شدن نه تنها مستلزم گسترش جهانی سرمایه‌داری و پخش ارزش‌ها و متون فرهنگ غربی، بلکه شاهد ظهور هنجارگرایی و اخلاق‌گرایی مطابق با استانداردهای

قرار دارد که پیروانش مدعی هستند اسلام برای کلیه نیازهای بشر جهت رسیدن به جایگاه مناسب برنامه و ایده دارد.

### ۲-۵. هژمونی سرمایه‌داری و عدالت در

#### نظام اقتصادی

یکی از هدف‌های اصلی نظریه‌پردازی، تحقق رهایی بشر است. بیشتر نظریه‌پردازان انتقادی مانند پسا‌ساختارگرایان به نحوی این ادعا را مطرح می‌سازند. گرامشی تأکید فراوانی بر رهایی بشر داشت. بسیاری بر این باورند که با شناسایی پیش‌فرض‌های هر جامعه می‌توانیم خودمان را از پذیرش ناموجه و بی‌چون و چرای این پیش‌فرض‌ها آزاد سازیم (چرنوف، ۱۳۸۸، ۳۵۴). گرامشی با تأکید بر واژه هژمونی، اهمیت خاصی به آن بخشیده بود. در نظام فکری والرش‌تاین و بر اساس نظریه نظام جهانی، هژمونی به عنوان وضعیتی است که در آن یک دولت مرکز از بقیه قدرتمندتر می‌شود. ساختارهای بین‌دولتی تحت حاکمیت فرآیندی مرکب از چرخه‌های طولانی‌اند که والرش‌تاین آنها را «چرخه هژمونیک» می‌نامد. انباشت سرمایه در شرایطی به حداکثر می‌رسد که ساختارهای بین‌دولتی نه به شکل‌گیری امپراطوری جهانی منجر شود (یعنی یک ساختار سیاسی فراگیر) و نه آنارشی نسبی با تعدد قدرت‌های بزرگ نسبتاً برابر (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ۱۹۹). رابرت کاکس نیز به عنوان معرف گرامشی، معتقد است که هژمونی برای تقویت ثبات و استمرار حوزه بین‌المللی به همان اندازه اهمیت دارد که در سطح داخلی مهم است.

در جامعه بین‌الملل دولت‌ها کنش‌گرانی به مانند انسان‌ها نیستند و عمل آنها به صورتی است که نفع ملی خودشان را در نظر می‌گیرند. بر این اساس نظریه‌های مختلف نگاه خاص خود را به

حاکم بر آنها و همچنین عوامل بقا و پایداری شرایط توجه دارند (Gay, 2023, 211-212). به طور کلی اقتصادهای لیبرال و سردمداران قدرت در مرکز، طی سال‌های اخیر از رویکرد افراطی بازارگرایی که برای سه دهه تعیین‌کننده اصلی سیاست‌های اقتصادی بود عقب نشینی کرده‌اند و سنتزی از دیدگاه‌های نئوکینزی، اقتصاد توسعه، پست‌کینزی و اقتصاد سیاسی رادیکال در حال شکل‌گیری است که بر تجدید ساختار نهادهای برتون وودز (به نحوی که اقتصادهای پیرامونی را به شکل منصفانه‌ای در نظام اقتصاد جهانی ادغام کند) تأکید دارد. شکل‌گیری نظم سیاسی امنیتی جدید چندجانبه و منطقه‌ای نیز تجدید ساختار این نهادها و همین‌طور نهاد سازمان ملل متحد را در چشم‌انداز قرار داده است. چنین نظمی که ساختار دموکراتیک‌تری می‌تواند داشته باشد. از لحاظ اقتصادی زمینه را برای اعمال سیاست‌های اقتصادی حمایت‌گرا در سطح منطقه‌ای فراهم می‌سازد.

#### ۴-۵. اقتصاد اسلامی و سیاست‌گذاری

##### پولی نئولیبرال

نئولیبرالیسم معمولاً به عنوان فلسفه بازارهای بی‌بند و بار تعریف می‌شود و ادعا می‌کند که بهترین مسیر برای شکوفایی افراد، کسانی هستند که به دنبال منفعت شخصی خود می‌باشند و بازار آزاد تنها راه برای بیان این منفعت شخصی است. در این فلسفه معمولاً نقش حداقلی دولت توصیه می‌شود. در حالی که سفته‌بازی مالی به عنوان چیزی سودمند باور می‌شود. علاوه بر این، رقابت را در میان گروهی از افراد تشویق می‌کند، در حالی که نابرابری توصیه و ستایش می‌شود (Mason, 2015, 8). در مقابل، اسلام با به

نهادهای بین‌المللی هستیم که سازه‌انگاران چون فینمور و سیکینک از آن تحت عنوان «آبشار هنجاری» یاد می‌کنند (Finnemore and Sikkink, 1998, 127).

در اندیشه انتقادی و پست‌مدرن به بانکداری و نظام اقتصاد جهانی می‌توان این گزاره‌ها را شاخص قرار داد: تغییر ماهیت قدرت از ثروت به دانایی؛ مخالفت با قدرت یا بی‌اساسی دولت متمرکز؛ نفی دولت به عنوان سمبل هویت ملی؛ مخالفت با رشد اقتصادی به بهای ویرانی محیط زیست؛ شک نسبت به عقل انسان و رد عقل‌گرایی و طغیان همه جانبه علیه روشنگری؛ اعتقاد به پایان یافتن مبارزه طبقه کارگر و مستحیل شدن آن در دل نظام سرمایه‌داری؛ ارتباطات انبوه و انفجار سرریز اطلاعاتی جامعه پسا صنعتی یا جامعه سرمایه‌داری صنعتی پیشرفته (Berge, 2015, 9-10).

بانک‌ها به عنوان منابع اصلی مالی نقش بسیار مهمی در توسعه و رشد اقتصادی یک کشور دارند، به دلیل آنکه آنها به عنوان تأمین‌کننده نقدینگی در ارائه خدمات و تولیدکننده اطلاعات عمل می‌کنند. بانک‌ها محصول نظام لیبرالیسم و سرمایه‌داری می‌باشند. نظریه‌های انتقادی از نقد نظام سرمایه‌داری و سازوکار آن آغاز می‌کنند و به ارزیابی ارزش اضافی و شی‌وارگی و کالا شدن همه وجوه و جنبه‌های زندگی مدرن می‌پردازند. از دید نظریه انتقادی جریان امور ضرورتاً آن چیزی نیست که هم اکنون هست، بشریت قادر است زندگی خود را تغییر دهد و امکانات کار را از این پس در اختیار بگیرد. این نظریه‌ها درک دیگری از شرایط موجود در جامعه ایجاد می‌کنند و به چگونگی تعامل میان این شرایط و قوانین

رسمیت شناختن نفع شخصی فرد به عنوان بخشی از طبیعت انسان، موضع روشن و مشخصی در این مورد اتخاذ می‌کند، اما منفعت شخصی را تنها چیزی برای تبیین انگیزه های رفتار انسان نمی‌داند (Furqani, 2015, 47-50). نفع شخصی محدود به انسان نیست، بلکه حیوانات، گیاهان و سایر موجودات منافع و حقوق خاص خود را دارند. در این زمینه اسلام بیشتر بر مفهوم حقوق (واجبات و حق نفس) تأکید می‌کند تا صرفاً منفعت شخصی. هر چیزی در جهان هستی دارای حقوق معینی است که به طور طبیعی منحصر به خودش است و تکالیفی که باید به موجودات دیگر واگذار شود. مفهوم حقوق می‌تواند رابطه انسان و محیط او را بهتر تبیین کند و بنیان اخلاقی را به درستی در چارچوب اسلامی قرار دهد.

۵-۴-۱. همگرایی اخلاق دینی و دانش مدیریت در اقتصاد اسلامی

در نگاه اقتصاد اسلامی نوعی همگرایی میان اخلاق دینی و دانش مدیریت کسب‌وکار وجود دارد که می‌توان گفت موجب شکل‌گیری اقتصاد معنوی یا غیرمادی می‌شود. اصطلاح اقتصاد معنوی در اقتصاد بسیاری از کشورهای اسلامی کاربرد دارد. اقتصادهای معنوی تصور می‌کنند که چگونه اصلاحات اقتصادی و تجدید ساختار نئولیبرالی به عنوان مسائل مربوط به تقوای دینی و فضیلت معنوی در نظر گرفته شده و بر اساس آنها عمل می‌شود. اقتصاد معنوی تولید معنویت به عنوان هدف مداخله، پیکربندی مجدد کار (یا شغل) به عنوان شکلی از عبادت دینی، القای اخلاق مسئولیت‌پذیری فردی و مسئولیت کارآفرینی در بین کارگران را شامل می‌شود. در مقالات مختلفی به این موضوع در کشورهای

اسلامی پرداخته شده است. برای نمونه در مقاله‌ای از رودنیک‌کیچ با تکیه بر ۱۸ ماه تحقیق قوم‌نگاری، که اکثریت آن در شرکت فولاد کراکاتائو در بانتن اندونزی انجام شده، یک جنبش اصلاحات معنوی اسلامی میانه‌رو فعال در شرکت‌ها و بوروکراسی‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی در اندونزی طی سال‌های معاصر را توصیف نموده است. از نظر نگارنده طرفداران اصلاحات معنوی، جدایی اخلاق دینی از عملکرد اقتصادی را ریشه بحران اقتصادی اندونزی می‌دانند زیرا این گسست منجر به فساد گسترده، ناکارآمدی و فقدان انضباط در محل کار شده است (Rudnycky, 2009, 104). در واقع اقتصاد اسلامی و معنوی تلاشی برای تلقین اخلاق اسلامی در ترکیب با دانش مدیریت غربی است که انتظار می‌رود بهره‌وری اقتصادی را افزایش دهد، فساد را کاهش دهد و کارکنان شرکت‌های دولتی را برای خصوصی‌سازی آماده نماید (Rudnycky, 2009, 104).

#### ۵-۴-۲. کارکردهای اقتصاد نئولیبرال

##### در چهارچوب اقتصاد اسلامی

سیاست‌گذاری اقتصادی و پولی نئولیبرال به طور خطی با هزینه‌های اجتماعی مرتبط است. هنجارها و ارزش‌های نئولیبرالی در همه اقسام جوامع وارد شده است که با هزینه اجتماعی سنگینی همراه است. فردگرایی و منفعت شخصی این جوامع را به داروین‌یسم اجتماعی تبدیل کرده است. در شرایط بی‌بند و باری بازارها، ایدئولوژی‌ای که انسان‌ها را تشویق به منفعت مادی به عنوان اصل حاکم بر رفتار می‌کند، قطعاً تأثیر خواهد گذاشت. در اقتصادی که اصل تنها بر نفع شخصی و ثروت بیشتر بنیان نهاده شود، قطعاً به یک فرد بیکار با چشم‌انداز شغلی ضعیف و

برادری آغاز و پایان همه اعمال اقتصادی می‌باشد. برادری هدف واقعی است. اصل کار و بهره‌وری با الزام به کار به عنوان بخشی از عبادت مطرح می‌شود.

برادری به معنای احساس نزدیکی، قرابت و همکاری در یک جامعه ایده آل اسلامی تجسم یافته و بسط مفهومی عدالت است (Asutay and Zaman, 2009, 74-75). اصول کار و بهره‌وری نیز در دین اسلام مورد توجه است. اسلام مردم خود را موظف به کار کرده است؛ زیرا با آن ثمربخش خواهد بود. هر گاه شخصی بیش از آنچه که استحقاقش را دارد، به دلیل دریافت نیروی کار و سایر منابعی که این درآمد را ایجاد می‌کند، به دست آورد، کاری را انجام می‌دهد که به عنوان «ربویه» شناخته می‌شود، یعنی مالکیت انحصاری ابزار تولید. زیرا اندیشه اقتصادی اسلامی بر این باور است که اساساً همه ابزارهای تولید متعلق به خداوند است و انسان فقط به عنوان امانتدار است (Choudhury, 1983, 94). کار مولد کاری است که منفعت به بار می‌آورد و به سعادت می‌انجامد. افراد باید خلاق، پرشور و کارآمد باشند و بهره‌وری عملی ستودنی است. سایر اصول علم اقتصاد مانند درآمد و توزیع و مالیات بر درآمد نیز در اسلام بسیار مورد تاکید است. برخی از ابزارهای آن مانند زکات، خراج، فی، عشر و برخی دیگر ثابت می‌کند که اسلام خواهان تحول مولد درآمد و ثروت ملی و ارتقای سطح رفاه جامعه است تا شکاف عمیقی بین ثروتمندان و فقرا ایجاد نشود.

منابع کم، انگیزه می‌دهد تا از طریق جرم و جنایت به دنبال منفعت شخصی باشد (Schotter, 1985, 65-88). اگر سود خالص معیار موفقیت یک فرد باشد، آنگاه یک تحلیل هزینه فایده نشان می‌دهد که پاداش فعالیت نامشروع ممکن است برای توجیه خطرات آن از پاداش فعالیت‌های مشروع بیشتر باشد. فلسفه ماتریالیستی کشورهای سرمایه‌داری در قالب خودخواهی، طمع و به حداکثر رساندن سود همواره کشورهای غربی را به درگیری و جنگ بر سر تصرف بازارهای خارجی برمی‌انگیزد. در واقع منافع شخصی و طمع عامل استعمار کشورهای ضعیف و ناتوان بود. به دلیل طمع و منفعت شخصی، رونق اقتصادی شدید فقط در کشورهای اقلیت غربی وجود دارد، در حالی که اکثریت مردم کشورهای جهان سوم در فقر، محرومیت و فقر شدید به سر می‌برند (Devereux and others, 2020, 305-306). در واقع، در سراسر جهان می‌توان مشاهده کرد که حذف دین و اجرای جزمی نئولیبرالی در قالب منفعت شخصی، رقابت و حداکثر کردن سود، علت اصلی هر بیماری اجتماعی - اقتصادی است. خودخواهی و حرص و طمع جوامع نئولیبرال را به یک «مسابقه نرخی» بی پایان تبدیل کرده است، که بی انتها در تعقیب و رقابت دائمی برای افزایش سودمندی و سود خود هستند (Tyagi and others, 2023, 67-68).

در واقع در اقتصاد اسلامی کارویژه‌های اقتصاد نئولیبرال نفی نمی‌گردد بلکه معنویت و کار ویژه‌های اسلامی به آن اضافه می‌گردد تا مسئولیت‌پذیری، کارایی و مقابله با فساد در آن افزایش یابد. بازسازی اصول اصلی اقتصاد اسلامی ضروری است. در دیدگاه اقتصاد اسلامی توحید و

## ۵-۵. رویکرد انتقادی به سیاست گذاری

### پولی نئولیبرال در ایران

#### ۵-۵-۱. نگاه خرد

سیاست‌های اقتصادی کشورها شامل خط مشی گذاری در حوزه‌های مختلف پولی و بانکی، مالی و بازرگانی است. سیاست‌های پولی در اقتصادهای بانک محور اهمیت بیشتری دارد و دولت سیاست‌های سایر حوزه‌ها را براساس بازار پول تنظیم می‌کند. ابزارهای سیاست پولی در ایران در اجرای سیاست پولی که بانک مرکزی می‌تواند مستقیماً از قدرت تنظیم‌کنندگی خود استفاده نموده یا به‌طور غیرمستقیم از اثرگذاری بر روی شرایط بازار پول به عنوان انتشار دهنده پول پر قدرت (اسکناس و مسکوک در جریان و سپرده‌های نزد بانک مرکزی) استفاده نمایند.

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به دلیل نقش غالب بازار پول از شیوه‌های متفاوتی برای تأمین مالی استفاده می‌شود. مهمترین ابزاری که در بازار پول ارائه می‌شود، سپرده‌های بانکی است. ضعف‌های سیستم مالی ایران عبارتند از: کم بودن عمق بازار سرمایه، عدم توانایی تأمین مالی ابداعات و رشد با هزینه پایین؛ غیرقابلی بودن و عدم دسترسی عموم به اعتبارات در ایران؛ فقدان سرعت و دقت لازم در تجهیز و تخصیص منابع، هزینه‌هایی معاملاتی بالا؛ عدم تقارن بالای اطلاعاتی، امکان کسب سودهای بالا از طریق آربیتراژ اطلاعات؛ نبود برخی نهادهای تخصصی مکمل و نیروی انسانی متخصصی به اندازه کافی؛ عدم تناسب در توزیع و مدیریت ریسک به دلایل مختلف؛ عدم شکل‌گیری قیمتهای کارا و عدم ایجاد ابداعات و تطبیق‌پذیری با تحولات؛ عدم کفایت مقررات متناسب با تحولات روز (فقهی کاشانی و همکاران، ۱۳۹۲).

به منظور اصلاح ساختار سیاستگذاری پولی در گام نخست لازم است تا محدودیت‌ها و چالش‌هایی که سیاستگذار پولی با آنها مواجه است، مورد شناسایی قرار گیرند. البته برای اصلاح نظام سیاستگذاری پولی لازم است که از اصلاح رابطه نظام سیاستگذاری کلان اقتصادی با نظام سیاستگذاری پولی آغاز کرد. از مهمترین محدودیت‌های سیاستگذاری پولی در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: محدودیت ابزارهای سیاست پولی؛ درجه پایین استقلال بانک مرکزی و فقدان سازوکار پاسخگو بودن بانک مرکزی؛ اقدام مصلحتی سیاستگذار پولی و تأثیر آن بر شکل‌گیری انتظارات بخش خصوصی؛ غفلت از رویکرد جلونگری در سیاستگذاری پولی؛ درجه پایین شفافیت بانک مرکزی؛ درجه پایین شفافیت بانک مرکزی و فقدان سیاست ارتباطی شفاف با فعالان اقتصادی؛ چالش‌های اجرای بانکداری بدون ربا در کشور؛ چالش‌های مرتبط با ساختار تصمیم‌گیری سیاست پولی (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۸).

شورای پول و اعتبار ایران از جهات مختلف خصوصیات یک شورای سیاستگذار پولی خوب را ندارد:

- تعداد زیاد اعضای شورای پول و اعتبار: شورا باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا اعضای با تجربیات و دانش مرتبط را شامل شود، اما به اندازه کافی کوچک باشد تا برای تمامی اعضا، امکان مشارکت فعال فراهم شود. در بیشتر کشورها، شوراهای سیاست پولی ۵ تا ۱۰ عضو دارند و تنها ۱۰ درصد از آنها بیش از ۱۰ عضو دارند. افزایش تعداد اعضا (بیشتر از ۱۰) می‌تواند میزان مشارکت آنها را کاهش دهد. همچنین

### ۵-۲- نگاه کلان

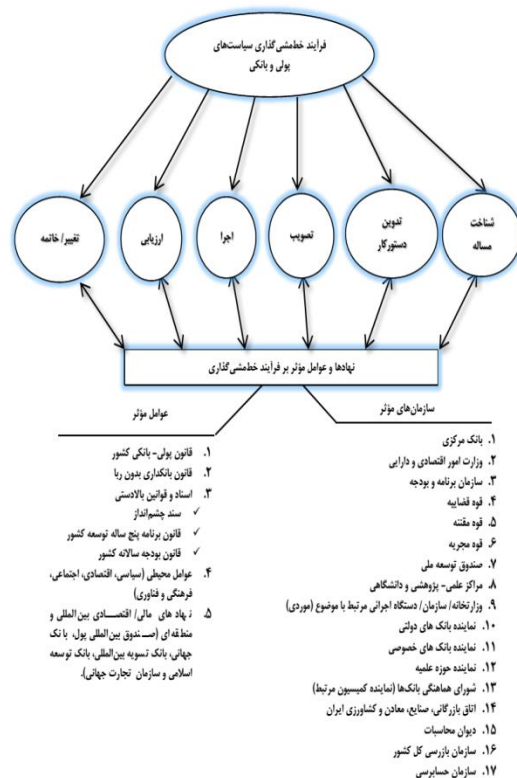
اکثر محققین در دوره معاصر، آدام اسمیت و کتاب ثروت ملل او را مبتکر و مروج اندیشه‌های نئولیبرالی می‌دانستند، اما در واقع استدلال‌هایی در حمایت از جامعه نئولیبرالی سابقه ای طولانی و غنی دارد. در واقع، ریشه‌های دکتربین نئولیبرال به عنوان یک سیستم اجتماعی - اقتصادی از آموزه‌ها و عملکردهای اساسی یهودیان معاصر سرچشمه می‌گیرد. در اوایل اسلام، یهودیان در سرزمین‌های فلسطین و سرزمین‌های عرب مجاور وجود داشتند. سبک نئولیبرالی معامله مبتنی بر بهره، جامعه غیریهودی را وادار کرد تا زندگی بسیار فقیرانه و فلاکت باری داشته باشند. در طول تاریخ، سیستم اجتماعی - اقتصادی مبتنی بر منافع یهود با بشریت در سراسر جهان باقی ماند، اما در گذشته نزدیک با انتشار «ثروت ملل» آدام اسمیت به عنوان یک ایدئولوژی مورد توجه جهانی قرار گرفت. آدام اسمیت استدلال کرد که بهره و دنبال نمودن منفعت اقتصادی توسط بازرگانان در خدمت خیر عمومی است (Beder, 2006, 6).

در کتاب ثروت ملل، آدام اسمیت عبارت «دست نامرئی» را معرفی کرد که اعتقاد بر این است که یک اقتصاد در سناریوی بازار آزاد که در آن هرکس برای منافع شخصی خود کار می‌کند، به کارایی دست خواهد یافت. در پارادایم نئولیبرال، هر فردی تشویق می‌شود تا با انتخاب و مصرف یک خدمت یا محصول، رضایت خود را افزایش دهد. در جامعه نئولیبرال، تنها هدف و هدف از زندگی، ثروت است (Self, 2000, 26-29). که در آن ثروت به «تولید و فروش کالاها عرضه شده به بازار و خدمات» اشاره دارد. ثروت هدف است زیرا همانطور که اشاره شد، هر فردی فقط به

رسیدن به یک اجماع در شورهایی با تعداد زیاد اعضا دشوار است.

- تورش ترکیب شورای پول و اعتبار به سمت اعضای دولتی: بالا بودن نسبت اعضای دولتی به اعضای داخل بانک مرکزی، ضمن افزایش سلطه سیاست‌های مالی بر پولی موجب افزایش احتمال خطا در اتخاذ تصمیم می‌شود. ناهماهنگی در رویکرد اعضا به مباحث سیاست پولی باعث شده در مواردی بدنه کارشناسی بانک مرکزی نتواند تایید شورا در مورد اتخاذ سیاست‌های مناسب را در زمان موثر خود کسب کند.

- پایین بودن سطح شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری: برای افزایش مشارکت و پاسخگویی اعضا، صورت‌جلسات حاوی آرای آنها پس از مدتی انتشار می‌یابد (متین نفس و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۶-۶۵).



### نمودار ۵-۳) فرآیند خط‌مشی‌گذاری سیاست‌های

پولی و بانکی (متین نفس و همکاران، ۱۳۹۹، ۷۴).

دنبال منافع شخصی مادی خود است. نیاز به همکاری و حمایت متقابل در جوامع سالم نادیده گرفته می‌شود و نقش دولت در یک اقتصاد خوب نادیده گرفته می‌شود. در این ایدئولوژی، انسان به عنوان واحد اصلی تحلیل در نظر گرفته می‌شود (Cahill, 2014, 3). فرض مهم دیگر در این ایدئولوژی این است که انسان موجودی عاقل است که همواره به دنبال منافع شخصی خود است (Marder, 2018, 330). موارد فوق در سیاست‌گذاری پولی نئولیبرال ایران نهادینه شده است که با سیاست اقتصادی اسلام در تضاد است. البته برخی از جریان‌ها و نظریه‌پردازان معتقدند که نظام اقتصادی ایران نئولیبرال نمی‌باشد. این جریان معتقدند در ایران و تحت تأثیر تبلیغات جریان‌های چپ؛ لیبرالیسم به بعد اقتصادی، آن هم به راست‌گرایانه‌ترین تفاسیر از این بعد، تقلیل داده شده است. اگر مدعی هستیم نظام یک کشور لیبرالیستی یا نئولیبرالیستی است باید این ادعا را علاوه بر بعد اقتصادی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور هم نشان دهیم. به دلیل استیلای کامل نظام سیاسی بر حوزه اقتصاد؛ حتی به لحاظ نظری و مفهومی چنین تفکیکی منطقی نیست. در تاریخ ایران همیشه نظام اقتصادی طفیلی و پسمانده نظام سیاسی بوده است. بنابراین کسانی که از مفهوم لیبرالیسم یا نئولیبرالیسم برای توصیف جامعه ایران استفاده می‌کنند باید علاوه بر حوزه اقتصادی؛ مستندات لازم در حوزه سیاسی و اجتماعی را هم ارائه دهند.

سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی منافع اکثریت مردم در حوزه آموزش، بهداشت و اشتغال آنان را به خطر انداخت. پی‌گیری و اصرار بر سیاست‌های بازار آزاد و خصوصی‌سازی در

کشوری بسترهای سیاسی و اجتماعی لازم را نداشت به چپاول‌گرایی و فسادگسترده انجامید. همان بلایی که در دوره کوتاهی بعد از فروپاشی شوروی و در زمان ریاست جمهوری یلتسین در روسیه حاکم شد؛ سی سال است که در کشور ما حاکم شده است. در کشوری که فرهنگ استبداد، غارتگری و پارتی‌بازی سابقه تاریخی دارد و به نوعی نهادینه شده است و مهمتر از آن درآمدهای هنگفت نفتی هم وجود دارد؛ ساده‌لوحانه است که به اصلاحات صرف اقتصادی دل ببندیم و از تجربه کره جنوبی و سنگاپور بگوییم. فردریش هایک در کتاب «راه بردگی» مدعی است که اتکا به بازار آزاد از تمامیت‌خواهی دولت جلوگیری می‌کند. تحقق سیاست‌های تعدیل و خصوصی سازی مسئولیت دولت را کم کرد؛ اما تأثیری در قدرت آن نداشت و مهمتر اینکه فساد و غارت را گسترده‌تر کرد. باید عنایت داشت که مبحث نئولیبرال بودن یا نبودن نظام اقتصادی ایران بحثی جدا و گسترده هست که در این مقاله مجال پرداختن به آن نیست اما آنچه که مرتبط با موضوع این پژوهش است باید اذعان داشت که بسیاری از اصول اقتصادی نئولیبرال از جمله اقتصادی سود محور، ربا، منفعت محوری، فردمحوری، مصرف بیشتر و امثالهم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، پولی و مالی ایران نهادینه شده است. در حالی که سیاست اقتصادی اسلام در جهت حذف ربا، اجرای سود و نهادینه شدن زکات و نیز مقابله با اسراف است.

توحید منبع اصلی اخلاق اسلامی و زیربنای فلسفی اقتصاد اسلامی است. توحید اصلی‌ترین عنصری است که انسان را به خدای خود پیوند می‌دهد تا به ذات خلقت خود تبدیل به یک فرد شود. توحید مردم را به سمت دینداری اقتصادی

می‌کنند (Shalihin and Sholihin, 2017, 186-188).

طبق نظر چودوری و حسین مدل تامین مالی شرعی از دو اصل اساسی تشکیل شده است، یعنی ابزارهای تامین مالی بدون بهره در بخش خصوصی و ابزارهای تامین مالی توسعه بر اساس سهم هزینه و سود. اساساً سهم سود تأمین مالی با اصل اعتماد و توافق محض بین مالک سرمایه یا سرمایه‌گذاران (در این مورد بانک‌های شرعی) با صاحبان مشاغل (در این مورد مشتری و مدیر تجاری) صورت می‌گیرد (Choudhury and Hussain, 2005, 203-214).

پرکاربردترین اصول مشارکت در سود در بانکداری شرعی، مسیارکه و مضاربه است. مسیارکه یک قرارداد همکاری بین دو یا چند طرف برای یک تجارت خاص است که در آن هر یک از طرفین با توافقی که می‌نمایند سود و خطرات را با هم متحمل می‌شوند و در وجوه مشارکت می‌کنند. مضاربه همکاری تجاری بین دو نفر است که در آن طرف اول (شهیب‌المال) تمام سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر مدیر می‌شود. سود کسب و کار بر اساس توافق مندرج در قرارداد تقسیم می‌شود، در حالی که ضرر بر عهده صاحب سرمایه است (البته تا زمانی که ضرر ناشی از قصور مدیر نباشد و اگر زیان ناشی از تقلب یا قصور مدیر باشد، مدیر باید مسئول ضرر باشد).

زکات نیز آخرین سپر اقتصاد است تا در صورت رکود اقتصادی توان مصرف از بین نرود. زکات به دلیل تضمین مصرف اولیه توسط دولت، به اقتصاد اجازه می‌دهد تا در حداقل سطح، به کار خود ادامه دهد (Rozalinda, 2016, 133-135). همچنین آموزه‌های اسلامی از الگوی تولید و مصرف و استفاده عادلانه و متوازن از اموال

سوق خواهد داد. دینداری اقتصادی، فرافکنی ایمان، شرع و اخلاق در فعالیت‌های اقتصادی است (Choudhury, 1998, 187). توحید جوهر اقتصاد اسلامی را در بر می‌گیرد که به مردم می‌آموزد چگونه با دیگران در مورد خدا ارتباط برقرار کنند و با آنها رفتار کنند (Choudhury, 1983, 93). معنای آن ظهور رفتار انسانی (اخلاق و اخلاق) است که فقط از وحدانیت خدای متعال که تنها خالق هستی است که در آن منابع اقتصادی و ثروت برای مردم و همچنین همه منابع برای برآورده کردن وجود دارد، اطاعت می‌کنند و می‌ترسند. نیازهای جهان از جمله نیاز به اقتصاد و زندگی در رأس آن قرار دارد.

اقتصاد و دارایی اسلامی زیرنظام‌هایی هستند که به طور جامع توسط اسلام از طریق قرآن و حدیث تنظیم شده‌اند. این خرده نظام برگرفته از متون اولیه اسلامی است. یعنی یک قانون اخلاقی وجود دارد بنام «فرهنگ» و «روحی» که تعیین می‌کند که چگونه اقتصاد و دارایی اسلامی توسط مسلمانان اداره می‌شود. در پدیدارشناختی اقتصاد و دارایی اسلامی بعد اخلاقی و فرهنگی اقتصاد و دارایی اسلامی امری ذاتی است که نه تنها بر آگاهی یک مسلمان تأثیر می‌گذارد، بلکه به طور پیوسته الگوی متفاوتی از تجربه را شکل می‌دهد و مسلمانان در مقایسه با سایر افراد به‌طور منحصربه‌فردی آن را احساس می‌کنند. در نهایت این تمایز فرهنگی از تنوع ذاتی در اقتصاد و سیاستگذاری پولی و مالی اسلامی را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، اقتصاد و دارایی اسلامی دارای ابعاد دوگانه است. نه تنها بُعدی تجربی دارد، بلکه بُعدی اخلاقی نیز دارد. این دو به طور همزمان الگوی اقتصاد اسلامی را تعیین

حمایت می‌کند، یعنی الگویی که بین ناشیانه و اتلاف قرار دارد. مصرف و تولید بیش از حد متوسط (معقول) اسراف شمرده شده و مورد پسند اسلام نیست، باید از آن پرهیز کرد و از بین رفت تا به رفتار جامعه اسلامی تبدیل نشود.

بنابراین به لحاظ شکل روش‌شناسی نیاز به بازسازی سه اصل اصلی سیاست‌گذاری مالی و اقتصاد اسلامی در ایران وجود دارد؛ (۱) توحید و برادری، که در آن توحید به عنوان هدف واقعی، آغاز و پایان همه اعمال اقتصادی و برادری‌ها می‌شود؛ (۲) اصل کار و بهره‌وری با تلاش برای به دست آوردن چیزی به عنوان بخشی از عبادت و (۳) بالا بردن اصل توزیع درآمد به عنوان بخشی از تحول تولیدی برای افزایش درآمد و رفاه مردم.

#### ۶. نتیجه

بسیاری از قواعد اقتصادی و اندیشه‌های اقتصادی اسلامی، عمداً در گنجینه‌های علم از طریق هژمونی و سلطه غرب گم شدند و با غفلت از سهم حداکثری اندیشه اقتصادی اسلامی در ادبیات اقتصادی غرب ترکیب شدند. در حالی که بسیاری از اصول علم اقتصاد مانند کار، درآمد و توزیع و مالیات بر درآمد در اسلام بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از ابزارهای آن مانند زکات، خراج، فی، عشر و برخی دیگر ثابت می‌کند که اسلام خواهان تحول مولد درآمد و ثروت ملی و ارتقای سطح رفاه جامعه است تا شکاف عمیقی بین ثروتمندان و فقرا ایجاد نشود.

مشکل اصلی اقتصاد اسلامی همچنان در آموزه نئوکلاسیک و نئولیبرال است. اقتصاد اسلامی یک علم است زیرا دانشی است که به طور منظم تدوین شده و عناصر علم را برآورده کرده است. اقتصاد اسلامی به عنوان یک علم، عقلانیت را در بر می‌گیرد. توجیه، تحریف و راستی‌آزمایی کاملاً

متفاوت در مقایسه با جریان اصلی اقتصاد دارد. اما به طور کلی، هنوز به دکترین‌های نئوکلاسیک و نئولیبرال چسبیده است. اکنون اقتصاد اسلامی با این واقعیت مواجه است که سیطره روش‌شناسی غربی به قدری قوی بوده است که این ایده که چگونه می‌توان از اسلام به عنوان منبع نظری علم اقتصاد استفاده کرد، جهت می‌دهد. مشکل این است که در جهان اسلام شکاف بین دکترین و واقعیت به قدری چشمگیر است که نظریه پردازان اقتصاد اسلامی باید به این موارد توجه کنند. بنابراین به لحاظ شکل روش‌شناسی نیاز به بازسازی اصول اصلی سیاست‌گذاری مالی و اقتصاد اسلامی در ایران وجود دارد که مورد بررسی قرار گرفت. باید به این مسأله توجه داشت که ابعاد اقتصادی و مالی در ایران به عنوان یک کشور مسلمان نه تنها تجربی هستند، بلکه اخلاقی هم هستند. وقتی همه اینها به خوبی در قاعده جدید اقتصاد اسلامی اجرا شود، جهت‌گیری اقتصاد اسلامی ایران روشن خواهد شد و می‌تواند جایگزین و راه حلی برای اقتصاد معاصر باشد.

#### ۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

## منابع

## منابع فارسی

- پژوهشکده پولی و بانکی، محدودیت‌های سیاست‌گذاری پولی در ایران، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۸.
- جوشن‌لوی، حسین، خانی‌ها، نسرین، «نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جغرافیا، دوره پنجم، شماره بیست و سوم.
- چرنوف، فرد، نظریه و زبرنظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
- شیرزاد، حمیدرضا، «تأثیر جهانی شدن نئولیبرال بر دولت تحصیل‌دار جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ششم، شماره بیست و دوم، ۱۳۹۲.
- فقهی کاشانی، محمد، زهرا خوشنود، طاهره اکبری آلاشتی و خشایار سیدشکر، توسعه نهادهای مالی در ایران با تأکید بر دستور العمل‌های مورد نیاز در تشکیل و فعالیت نهادهای مالی جدید، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴.
- متین نفس، فرهاد، فتاح شریف زاده، مهناز ربیعی و سیداحمد حسینی گل افشانی، «چالش‌های ساختاری سیاست‌گذاری پولی در اقتصاد ایران و ارائه الگوی فرآیند جامع خط مشی‌گذاری»، پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال بیست و پنجم، شماره هشتاد و سوم، ۱۳۹۹.
- مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

## منابع لاتین

- Asutay, Mehmet and Nazim Zaman, "Divergence Between Aspirations and Realities of Islamic Economics: A Political Economy Approach to Bridging the Divide", IIUM Journal of Economics and Management, Vol. 17, No. 1, 2009.
- Beder, Sharon, Free Market Missionaries: The Corporate Manipulation of Community Values, London: Routledge, 2006.
- Berge, Leigh Claire La, Scandals and Abstraction: Financial Fiction of the Long 1980s, Oxford: Oxford University Press, 2015.
- Cahill, Damien, The End of Laissez-Faire? On the Durability of Embedded Neoliberalism, Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2014.
- Choudhury, Masudul Alam and Md. Mostaque Hussain, "A Paradigm of Islamic Money and Banking", International Journal of Social Economics, Vol. 32, No. 3, 2005
- Choudhury, Masudul Alam, "Principles of Islamic Economics", Middle Eastern Studies, Vol. 19, No.1, 1983.
- Choudhury, Masudul Alam, Studies in Islamic Social Sciences, London: MacMillan Press Ltd, 1998.
- Davies, William, "What Is "Neo" About Neoliberalism?", The New Republic. In: Alejandro Abraham-

- Gray, John, (2000), *False Dawn: The Delusions of Global Capitalism*, New York: The New Press, 2000.
- Januari, Yadi, “Tantangan dan Inisiasi dalam Implementasi Ekonomi Syariah di Indonesia”, *AHKAM: Jurnal Ilmu Syariah*, Vol. 12, No. 2, 2013.
- Marder, Lev, “Rethinking homo economicus in the political sphere”, *Constellations*, Vol. 25, No. 3, 2018.
- Mason, Paul, *Postcapitalism: A Guide to Our Future*, New York: Farrar, Straus and Giroux; Reprint edition, 2017.
- Nigro, Felix A. and Lloyd G. Nigro, *Modern Public Administration*, New York: Harper & Row, 1973.
- Rozalinda M. Ag., *Ekonomi Islam*, Jakarta: Raja Grafindo Persada, 2016.
- Rudnyckyj, Daromir, “Spiritual Economies: Islam and Neoliberalism in Contemporary Indonesia”, *Cultural Anthropology*, Vol. 24, No. 1, 2009.
- Schotter, Andrew, *Free Market Economics A Critical Appraisal*, London: Red Globe Press, 1985.
- Self, Peter, *Rolling Back the Market: Economic Dogma and Political Choice*, London: Palgrave Macmillan, 2000.
- Shalihin, Nuruss and Muhammad Sholihin, “Fenomenologi-Ekonomi Islam: Lit Review atas Epistemologi Hamanoiel, Liberalism in neoliberal times: dimensions, contradictions, limits. London: Goldsmiths Press, 2017.
- Devereux, Michael P., Alan J. Auerbach, Michael Keen, Paul Oosterhuis, Wolfgang Schön, John Vella, *Taxing Profit in a Global Economy*, Oxford: Oxford University Press, 2020.
- Devetak, Richard, “Critical Theory”, in: Scott Rurchill and Andrew Linklater, *Theorise of International Relations*, London: Macmillan, 1996.
- Finnemore, Martha, and Kathryn Sikkink, “International Norm Dynamics and Political Change”, *International Organization*, Vol. 52, No. 4, 1998.
- Furqani, Hafas, “Individual and society in an Islamic ethical framework: Exploring key terminologies and the micro-foundations of Islamic economics”, *Humanomics*, Vol. 31, No. 1, 2015.
- Gay, Daniel, *The practicality of pluralism in the economic analysis of the least developed countries*. In: Penelope Hawkins, Ioana Negru. *Monetary Economics, Banking and Policy: Expanding Economic Thought to Meet Contemporary Challenges*, London: Routledge, 2023.

Ekonomi Islam Masudul Alam Choudhury”, Journal of Islamic Economics, Vol. 2, No. 2, 2017.

- Tyagi, Pallavi, Simon Grima, Kiran Sood, Balamurugan Baluswamy, Ercan Özen, Eleftherios I. Thalassinou, Smart Analytics, Artificial Intelligence and Sustainable Performance, Washington: Emerald Group Publishing, 2023

